University of Religions and Denominations

Contemporay Philosophy

ISSN: 3060-771X

A Reading of the Concept of Justice in the Thoughts and Ideas of Ali ibn Abi Talib (AS) and Khwaja Nizam al-Mulk al-Tusi (Focusing on *Nahj al-Balagha* and *Siyar al-Muluk)*

Yaghobali Talebnezhad[1] Behrooz Daylam Salehi[2]
saeed eslami[3] Amin Deylami Moazzi[4]

1. Department of Political Science,Cha.c.,Islamic Azad University,Chalus,Iran.
Email: yaghobali.talebnezhad@iau.ac.ir
2. Assistant Professor,Department of Political Science,Cha.c.,Islamic Azad University,Chalus,Iran.
(Corresponding Author). Email: bm.daylamsalehi@iau.ac.ir
3. Associate Professor,Department of Political Science,Cha.c.,Islamic Azad University,Chalus,Iran.
Email: eslami.saeed@iau.ac.ir
4. Assistant Professor,Department of Political Science,Cha.c.,Islamic Azad University,Chalus,Iran.
Email: amindeilami54@iau.ac.ir

Abstract

Justice holds a special status in the Islamic worldview and the pillars of Shia thought, while also serving as a central theme in the worldview and Iranshahr wisdom. Employing a comparative analysis, this paper investigates the relationship between the political insight of Ali ibn Abi Talib (AS)—centered on the teachings of *Nahj al-Balagha*—and the views of Nizam al-Mulk in *Siyasatnama* (as an Iranshahr interpretation of justice). It seeks to answer the question: what is the relationship between justice in *Nahj al-Balagha*, in terms

Cite this article: Talebnezhad, Yaghobali, Daylam Salehi, Behrooz , eslami , saeed , Deylami Moazzi , Amin V. (2025). A Reading of the Concept of Justice in the Thoughts and Ideas of Ali ibn Abi Talib (AS) and Khwaja Nizam al-Mulk al-Tusi (Focusing on Nahj al-Balagha and Siyar al-Muluk). Contemporay Philosophy, 4(7), p. 283-308.
https://doi.org/10.22034/jcp.2026.561228.1212

Received: 2026/5/15 **Type of article:** Research Article
Revised: 2026/7/18 **Publisher:** University of Religions and Denominations
Accepted: 2026/8/23 https://jcp.urd.ac.ir/
Available online: 2026/9/21
©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

of influence and substance, and ancient Iranshahr thoughts based on *Siyar al-Muluk*? Finally, the foundations of these two systems of thought within the Islamic worldview and the wise worldview of ancient Iran are examined. The findings indicate that justice in the thoughts and ideas of Ali ibn Abi Talib (AS), relying on the teachings of *Nahj al-Balagha*, is closely intertwined with the Quranic concept of *qist*, which implies "social justice." In contrast, this concept in Nizam al-Mulk's *Siyasatnama* is construed with the objective of preserving and safeguarding the political system in governance. Furthermore, in terms of genesis, justice in the Islamic worldview shares the same meaning as *Asha* (Ashe) in the Iranian perspective, which denotes rule-boundedness and order. However, justice in the views of Ali ibn Abi Talib (AS) is a social virtue and an ultimate value that governments and rulers must strive to consolidate and institutionalize with a comprehensive approach; whereas in Khwaja Nizam al-Mulk's *Siyar al-Muluk*, this concept takes on an instrumental and reductionist dimension, serving merely to preserve the king's power. The theoretical achievements of each of these two perspectives consist of a comprehensive view of justice and treating it as a value in Ali's (AS) political and theological outlook, versus an instrumental and reductionist view of it for the maintenance of power in Khwaja's thought. Utilizing a four-dimensional focus, this paper employs an analytical-comparative method, drawing upon documentary data and evidence to substantiate the hypothesis.

Keywords: Ali (AS), Security, Islamic Worldview, Iranshahr Wisdom, Justice, *Nahj al-Balagha*, *Siyar al-Muluk*.

فلسفه معاصر
شاپا: ۷۷۱X-۳۰۶۰

خوانشی از مفهوم عدل در آراء و اندیشه‌های علی بن ابیطالب(ع) و خواجه نظام‌الملك طوسی (با تمرکز بر نهج‌البلاغه و سیرالملوک)

یعقوب‌علی طالب‌نژاد[۱]، بهروز دیلم صالحی[۲]، سعید اسلامی[۳]، امین دیلمی معزی[۴]

۱. گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاداسلامی، چالوس، ایران.
yaghobali.talebnezhad@iau.ac.ir

۲. استادیارگروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاداسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول)
bm.daylamsalehi@iau.ac.ir

۳. دانشیارگروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاداسلامی، چالوس، ایران.
eslami.saeed@iau.ac.ir

۴. استادیارگروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاداسلامی، چالوس، ایران.
amindeilami54@iau.ac.ir

چکیده

عدالت در جهان‌بینی اسلامی و ارکان اندیشه شیعی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و همچنین از مضامین محوری جهان‌نگری و حکمت ایرانشهری محسوب می‌شود. مقاله حاضر در تحلیلی تطبیقی در نسبت جایگاه عدل بین بینش سیاسی علی بن ابیطالب(ع) با محوریت تعالیم نهج‌البلاغه و آراء نظام‌الملک در سیاست‌نامه، به‌عنوان برداشت ایرانشهری از عدل، درصدد یافتن پاسخی به این پرسش که عدالت در نهج‌البلاغه به‌لحاظ تأثیرپذیری و مضمون چه نسبتی با اندیشه‌های کهن ایرانشهری

استناد به این مقاله: طالب‌نژاد، یعقوب‌علی، دیلم صالحی، بهروز، اسلامی، سعید، دیلمی معزی، امین (۱۴۰۵). خوانشی از مفهوم عدل در آراء و اندیشه‌های علی بن ابیطالب(ع) و خواجه نظام‌الملك طوسی (با تمرکز بر نهج‌البلاغه و سیرالملوک). فلسفه معاصر، ۴ (۷)، ص ۳۰۸ - ۲۸۳.
https://doi.org/10.22034/jcp.2026.561228.1212

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۲/۲۵ ؛ **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۵/۴/۲۷ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۶/۱ ؛ **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۵/۶/۳۰
نوع مقاله: پژوهشی **ناشر:** دانشگاه ادیان و مذاهب https://jcp.urd.ac.ir/

۱۴۰۴© / نویسندگان دارندهٔ حق مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند

مبتنی بر سیرالملوک می‌تواند داشته باشد؟ بنیان‌های این دو تفکر در جهان‌بینی اسلامی و جهان‌نگری حکمی ایران باستان، درنهایت را موردبررسی قرار داد. چنین نتیجه‌گیری شد که عدالت در آراء و اندیشه‌های علی بن ابیطالب(ع) با تکیه‌بر آموزه‌های نهج‌البلاغه با مفهوم قسط در قرآن پیوند نزدیک دارد که مقصود از آن، «عدالت اجتماعی» است؛ درحالی‌که این مفهوم در سیاست‌نامه نظام‌الملک باهدف صیانت و پاسداری از نظام قدرت در امر حکومت‌داری معنا می‌شود. علاوه‌براین، عدالت در جهان‌بینی اسلامی به‌لحاظ تکوینی همان معنای «اشه» در نگرش ایرانی است که از قاعده‌مندی و نظم حکایت دارد. با این تفاوت که عدل در آراء علی بن ابیطالب(ع) از فضائل اجتماعی و ارزش نهایی است که حکومت و حاکم باید با نگرشی جامع‌گرایانه در تحکیم و تثبیت آن بکوشند؛ اما این مفهوم در سیرالملوک خواجه نظام‌الملک، وجه ابزاری و تقلیل‌گرایانه داشته و تنها صیانت از قدرت پادشاه محسوب می‌شود. دستاوردهای نظری هر یک از این دو برداشت، یکی نگاه جامع‌گرایانه به عدالت و ارزش دانستن آن در بینش سیاسی و الهیاتی علی(ع) و دیگری نگاه تقلیل‌گرایانه به آن و ابزار دانستن برای نگهداشت قدرت در اندیشه‌های خواجه است. در این مقاله با تمرکز بر ابعاد چهارگانه به‌شیوه‌ای تحلیلی- تطبیقی از داده‌ها و شواهد اسنادی جهت اثبات فرضیه بهره گرفته شد.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، امنیت، جهان‌بینی اسلامی، حکمت ایرانشهری، عدالت، نهج‌البلاغه، سیرالملوك.

مقدمه

«عدالت»، از مفاهیم بنیادین و زیربنایی در جهان بینی اسلامی است که دغدغه تحقق آن در جامعه، آرمان نهایی همه مصلحان و منادیان، از امامان و ائمه معصومین گرفته تا رهبران و مدیران، بوده است. تحقق عدالت و اجرای صحیح آن در اندیشه سیاسی علی بن ابیطالب (ع) (حک. ۳۵-۴۰ ق) نیز جایگاه ویژه ای دارد و بارزترین جلوه آن در نهج البلاغه نمود پیدا می کند. مفهوم و غایت عدالت در این کتاب با دیدگاه ها و مکاتب دیگر متفاوت است. از آنجا که عصر علی بن ابیطالب (ع)، دوره فرقه گرایی و فاصله گرفتن دستگاه خلافت از اصول اسلامی و سیره نبوی بود، حکومت علوی با مبنا قراردادن عدل و استقرار و اجرای صحیح آن به پا خاست. بنابراین اوضاع نابسامان جامعه اسلامی اقتضاء می کرد تا عدالت جهت دستیابی به اهداف اسلام در تمامی عرصه ها برقرار شده و بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد

یکی از نخستین تعاریف و تحلیل ها از عدالت، در کتاب نخست جمهور توسط افلاطون[1] بیان شده است. وی در این اثر، با پرسش از معنای عدالت، بحث خود را آغاز کرده. او در ضمنِ گفتگو با اشخاص گوناگون، برداشت های مختلفی را مورد بررسی قرار می دهد و یکی پس از دیگری به طرد هرکدام می پردازد. سپس در کتاب دوم، عدالت را از جهت مطلوب بودن و منشأ خوبی ها بررسی می کند. گرچه وی از عدالت در وجه فردی سخن می گوید اما در کتاب سوم به درخواست سقراط، مفهوم عدالت را در مقیاس بزرگ تر مقیاس جامعه و دولت بررسی کرده و درنهایت، در کتاب چهارم جمهور در ذیل جامعه آرمانی و مطلوب، تحلیل خویش را از عدالت بیان می کند. به عقیده او، یك جامعه مطلوب باید دارای چهار خصلت باشد: دانایی، شجاعت، خویشتن داری و عدالت (واعظی ۱۳۹۳، ۸۶). باتوجه به تعاریف و تعابیر گوناگون عدالت و طرح بحث آن در حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، قضائی و سیاسی، پژوهش حاضر این پرسش را به بحث گذاشته شده است که عدالت در نهج البلاغه ازلحاظ

1. Plato(428–347 BC)

تأثیرپذیری و مضمون چه نسبتی با اندیشه‌های کهن ایرانشهری مبتنی بر نظریات و آموزه‌های طرح‌شده در سیرالملوک می‌تواند داشته باشد؟ این خود نیازمند آغاز کردن بحثاز جهان‌بینی اسلامی و حکمت ایرانی است. لذا با بهره‌گیری از روش تحلیلی-تطبیقی و جمع‌آوری داده‌ها به‌شیوه اسنادی، تفاوت مفهوم و مقصد عدالت از منظر علی بن ابیطالب(ع) در نهج‌البلاغه با تفکرات مطرح‌شده در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملك طوسی (۳۹۷-۴۹۱) مورد بررسی و تحلیل تطبیقی قرارگرفته‌است.

خواجه نظام‌الملك، از شاخص‌ترین اندرزنامه‌نویسان ایران دوره اسلامی، در بخش‌هایی کتاب سیاست‌نامه به مبحث عدالت پرداخته است. خواجه نظام‌الملک طوسی، از شاخص‌ترین اندرزنامه‌نویسان ایران در دوره اسلامی، در بخش‌هایی از کتاب سیاست‌نامه به مقوله عدالت پرداخته است. نگاه او در حوزه سیاست عملی، از یک‌سو متأثر از سنت کشورداری ایران باستان و از سوی دیگر منبعث از آموزه‌های دینی است. وجود این خاستگاه‌های فکری دوگانه، ضرورت به‌کارگیری روش تحلیل تطبیقی را برای بازکاوی نسبت میان این دیدگاه با آموزه‌های اصیل اسلامی به‌ویژه رویکرد امام علی(ع) دوچندان می‌سازد. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، در پی آن است تا وجوه اشتراک و افتراق مفهوم عدالت را در این دو تفکر به سنجش بگذارد. این پژوهش چگونگی تأثیرپذیری معنا و غایت عدالت را از مبانی و خاستگاه‌های فکری هر یک از این دو الگو بررسی و تبیین می‌کند.

پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده، اثری که به‌طور مبسوط به قیاس مفهوم عدالت در اندیشه علوی و اندرزنامه‌ها بپردازد، یافت نشد. علویان و جهانی‌نسب (۱۴۰۳الف) در مقاله «نسبت میان سنت اسلامی و تجدد (با تکیه بر تجدد سیاسی) با تمرکز بر مبانی فکری و بینش سیاسی علی بن ابیطالب(ع) در نهج‌البلاغه» سه عنصر حکمروایی عدالت‌گستر، عاملیت بشر

با رویکرد خلیفۀالله فی‌الارض و همچنین قانون‌محوری به‌منزله اصل رضایت‌مندی مردم از حکومت را، وجهی از تجدد به‌معنای امروزین آن در آراء علی بن ابیطالب(ع) به‌عنوان بخش مهمی از سنت اسلامی قلمداد کردند. سیدباقری و مختاربند(۱۳۹۸) در «پیوستگی عدالت و اعتدال در اخلاق سیاسی اسلامی با تأکید بر سیره علوی»، پژوهش دیگری است که به بررسی رابطه میان عدالت و اعتدال در اخلاق سیاسی سیره علوی پرداخته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که با توجه به سیره علوی(ع)، عدالت و اعتدال دارای پشتوانه عقلانیت بوده و با حاکمیت عقل به جامعه سرایت کرده و موضع اعتدالی جامعه برای نیل به عدالت تشخیص داده می‌شود. مقاله «عدالت و خودکامگی در اندیشه سیاسی خواجه نظام‌الملك طوسی» به قلم اخوان‌کاظمی (۱۳۸۰) یکی از تعاریف عدالت را از دیدگاه خواجه نظام‌الملك قرار دادن هر چیز در جای خویش و رعایت اهلیت، استحقاق‌ها، مراتب و همچنین راستی و راست‌کرداری دانسته است. در مقاله آمده است که خواجه بیش از نگرش آرمان‌گرایی و عنایت به عدالت، با رویکردی واقع‌گرا در پی توجیه و تثبیت سلطنت وقت بوده است. ازاین‌رو، عدالت موردنظر وی ابزاری برای نگهداشت دستگاه خودکامه سلجوقیان برآمد. در مقاله «مفهوم عدالت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک» نوشته امیدسالار (۱۳۷۳)، عدل نه‌تنها از نظر اخلاقی و شرعی پسندیده درنظر گرفته‌شده بلکه از ارکان نظام مملکت و جهان نیز به شمار آمده است. ضمن اینکه به راهکارهایی در خصوص عدالت‌گستری پادشاه اشاره‌شده است.

۱-عدالت در گستره جهان‌بینی اسلامی

۱-۱- مفهوم عدالت در بینش اسلامی

عدالت در وهله نخست در فرهنگ اسلامی دربردارنده دو قسم تکوینی و تشریعی است. عدالت تکوینی به این معناست که خالق هستی، حکیم است و در این معنا مولود

حکمت اوست. همچنین خداوند عادل است و از او چه در مقام تکوین و چه در مقام تشریع بی‌عدالتی سر نمی‌زند... عدالت تشریعی نیز در تفکر اسلامی اشاره به مطابقت دستورات الهی متناسب با توان و ظرفیت انسان‌ها از یکسو و مبعوث ساختن پیامبران و فرستادن کتاب آسمانی برای هدایت انسان‌ها از سوی دیگر دارد (غلامی ۱۴۰۰، ۳۳). در قرآن کریم می‌توان به آیاتی در اقسام تکوینی و تشریعی عدالت اشاره داشت. ازجمله:

«خداوند حتی به‌اندازه سنگینی ذره‌ای نیز ستم نمی‌کند» (نساء، ۴۰)

و یا

«خداوند هیچ‌کس را جز به‌قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند» (بقره، ۲۸۶)

که به ترتیب اشاره به عدل در عالم تکوین و عدل در حوزه تشریع دارد.

از دیدگاه مسلمانان، عالم هستی از منظر وجودشناسی و جهان‌شناسی بر اساس عدالت بناشده است. ازنظر معتزله۱، عدل بالاترین صفت پروردگار است. ازآنجاکه خداوند کل عالم را بر عدل بناکرده، همگان و به‌ویژه زمامداران حکومت، مفتی، قاضی و... باید هم در احکام و اعمال و هم در رفتار و کردار خویش از این اصل پیروی کرده و آن را رعایت کنند (تقوی ۱۳۹۵، ۱۳۳). همان‌طور که در قرآن کریم آمده است، یکی از وظایف سنگین جامعه اسلامی برقراری عدالت و مساوات در میان مردم است که با فرستادن انبیاء و پیامبران تحقق می‌یابد و به‌عنوان هدف بعثتِ همه آن‌ها معرفی‌شده است:

«همانا ما پیغمبران خود را با ادلّه و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به‌راستی و عدالت گرایند و آهن و دیگر فلزات را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم و تا معلوم شود که خدا و رسلش را باایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ هرچند که خدا قوی و مقتدر و از همه بی‌نیاز است» (حدید، ۲۵).

چنانچه در این آیه شریفه روشن است، ارسال رسولان نیز منوط به تحقق عدالت در میان مردم است و عدل نیز با کتاب یعنی قرآن و میزان به‌معنای ابزار سنجش در اندیشه اسلامی مرتبط است.

قرآن به‌صراحت بیان می‌کند که نظام هستی و آفرینش عالم به‌گونه‌ای سلسله‌مراتبی بر عدل و توازن و همین‌طور استحقاق‌ها و قابلیت‌ها استوار است. به بیانی دیگر، جهان از نظم و قانونی ازلی پیروی می‌کند. ضمن اینکه ظلم را از ساحت کبریایی به‌شدت نفی کرده و اساس خلقت را در نظام تکوینی مبتنی بر حق و ملازم با عدل می‌داند. علاوه‌براین، در برخی از آیات از مقام فاعلیت و تدبیر الهی به مقام «قیام به عدل» تعبیر شده که مجموع این موارد، بیانگر عدالت تکوینی در جهان‌بینی اسلامی است(مطهری ۱۳۵۵، ۴۰). در سنت ایران باستان نیز، سراسر هستی از نظم و قانونی برخوردار است که به «اشه» از آن تعبیر می‌شود. این واژه مفهومی انتزاعی برای نظام عالم و نظم حاکم بر هستی است که در وداها به‌صورت «رَته» و در کتیبه‌های ایران کهن به‌صورت «ارته» به‌کاررفته است(پولادی ۱۳۹۴، ۳۵). پس عدالت یك نظام تعاملی است که در کنار آن، مفهوم مسئولیت مشترك شکل می‌گیرد و اگر با همدلی و اطاعت افراد در پیروی از ولی خدا باشد، تحقق می‌یابد. مسئولیت مشترك، امری است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نصوص اسلامی آمده است (سروری مجد ۱۳۹۲، ۷۶). در مقاله «عدالت و خودکامگی در اندیشه سیاسی خواجه نظام‌الملك طوسی»(اخوان‌کاظمی،۱۳۸۰) یکی از تعاریف عدالت را از دیدگاه خواجه نظام‌الملك آمده است. طبق این تعریف، عدالت به‌معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش و رعایت اهلیت و استحقاق‌ها و مراتب دانسته شده است. در تعریفی دیگر، عدالت به معنای راستی و راست‌کرداری بکار رفته است. همچنین در ادامه آمده است که خواجه بیش از نگرش آرمان‌گرایی و

عنایت به عدالت، با رویکردی واقع‌گرا در پی توجیه و تثبیت سلطنت وقت و خودکامه سلجوقیان بوده است. ازاین‌رو، عدالت موردنظر وی ابزاری برای نگهداشت دستگاه خودکامه برآمد.

با توجه به اینکه مفهوم و غایت عدالت در اندیشه امام علی(ع) دارای قرائتی خاص و تا حدودی متفاوت از اندیشه‌های یونان باستان، دیدگاه‌های مدرن و لیبرالی و یا اندیشه‌های ایرانشهری و سنت سیاست‌نامه نویسی است، دریافت درکی نزدیک به واقعیت از آن در آراء علی(ع) ضرورت می‌یابد. لذا در یک تحلیل مقایسه‌ای می‌توان به این مهم دست‌یافت.

در کنار واژه عدالت از واژه «قسط» نیز بهره گرفته می‌شود. این واژه در لغت به‌معنای عدل، داد، بهره و نصیب بوده و در قرآن کریم نیز پیامبران باهدف اقامه قسط یعنی پایداری و گسترش عدالت اعلام‌شده مبعوث شدند. این در حالی است که قسط به‌معنای بیدار کردن است و عدم رعایت آن یعنی ستمگری. چنانچه راغب اصفهانی می‌نویسد:

> «قسط بهره‌ای است که از روی عدل باشد و واژه قسط در معنای دیگر آن عبارت است از اینکه کسی بهره و قسمت و نصیب دیگری را بگیرد که این جور و ستم است و در قرآن هم آمده است: **و امّا القاسِطُون فکانوا**... که قاسطون در اینجا به‌معنای ستمگران‌اند»(راغب‌اصفهانی۱۴۱۶ق،۶۷۰).

اعطاء حق به ذی‌حق یکی از معانی عدالت در جهان‌بینی اسلامی است. در این معنا اجرای عدالت به‌معنای اعطای حق به صاحب حق است. چنانچه علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان آورده است:

> «هر موجودی حقی دارد که اعطاء این حق به آن را عدالت می‌نامند»(طباطبائی بی‌تا،۱: ۲۱۷).

۱-۲- عدالت و نگرش جامعگرایانه به آن در منظومه فکری علی بن ابیطالب(ع)

عدالت در منظومه فکری علی بن ابیطالب(ع) ضمن رعایت حقوق افراد و رفع محرومیت از افراد جامعه(شریعت ۱۳۸۷، ۷۴)، در وهله نخست از نوع عدالت تکوینی است که تمام مناسبات عالم و شالوده هستی بر آن بنا شده است. بنابراین خداوند به‌عنوان مظهر خیر و نیکی، جهان را بر پایه عدل و مطابق با نظم و هماهنگی آفریده است. به‌نقل از امام علی(ع) آمده است:

«عدل پایه و زیربنایی است که پایداری جهان به آن بستگی دارد»(مجلسی ۱۳۹۱، ۷۸، ۸۳).

چنانچه در نهج‌البلاغه آمده است:

«بدانید که مردم نزد ما در حق و عدالت برابرند»(نهج‌البلاغه، نامه۷۰)، «از انحصارطلبی و به خود اختصاص دادن آنچه همه مردم در آن برابرند بپرهیز»(نهج‌البلاغه،نامه۳).

پس عدالت امری اجتماعی است که در تمامی ارکان جامعه با مفاهیمی چون حق، نیاز، شایستگی، مساوات آمده است.

اسلام عدالت را شرط اصلی حیات اجتماعی می‌داند. از دیدگاه علی(ع) عدالت اجتماعی اصلی است که می‌تواند تعادل اجتماعی را برقرار سازد و همه را راضی نگه دارد و به پیکره اجتماع، سلامت و به روح آن آرامش دهد(مطهری ۱۳۹۴، ۱۱۹). همچنین در کلام علی(ع) نیز اهمیت و لزوم برپایی عدالت موردتوجه بوده است: «خداوند عدالت را برپادارنده حق و وسیله‌ای برای پاکیزگی از ستم‌ها و گناهان و گشایشی برای اسلام قرار داده است»(التمیمی آمدی ۱۳۸۶، ۱: ۱۲۶). ایشان با نگاهی جامعگرا به عدل طبق سنت رسول اکرم(ص)، حکومت را در خدمت عدالت و عدالت را در خدمت مردم می‌دید:

«همانا زمامدار، امین خدا در زمین و برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۲-عدالت در گستره جهان‌نگری ایرانی

۲-۱- مفهوم عدالت در حکمت ایرانشهری

در جهان‌بینی ایرانی پادشاه، بی‌رقیب و از بهترین مردمان در راست‌کرداری و خردمندی است که بیشترین هماهنگی و نزدیکی را با «اشه» دارد؛ اما این دادگری و راست‌کرداری او نه‌تنها آشنا بودن با نوامیس و میزان‌ها بلکه تمرین برای دادگری و ملکه ساختن این خصیصه در رفتار است؛ نه‌تنها باید در قضاوت عادل باشد، بلکه باید در کوچک‌ترین سکنات و رفتار اجتماعی خویش متّصف به این صفت باشد و از دروغ بپرهیزد. فره ایزدی در ایران باستان عامل مشروعیت‌بخش به شاه و توجیه‌کننده قدرت اوست. این مفهوم به‌معنای برتری شاه نسبت به دیگران و نائب و جانشین خدا بر روی زمین بوده که مشروعیت خود را فقط از جانب خداوند می‌گیرد. او تنها در برابر خداوند مسئولیت داشت. بشر او را برنمی‌گزید و عزلش نمی‌کرد. حرف او قانون بود؛ چه آن قانون، فرمان یزدان باشد یا فرمان شاه (اخوان‌کاظمی ۱۳۸۲، ۱۶۱). همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در تعریف افلاطونی از عدالت، هر طبقه‌ای و هر فردی کار مختص به خود را داشته که باید بدان اشتغال ورزد. این معنا در اندیشه ایرانشهری نیز به‌تعبیر «خویش‌کاری» است. در سازمان اجتماعی هند و ایرانی، اساس معیشت و نظام اخلاقی جامعه بر اصل خویش‌کاری یا خودآئینی طبقات قرار دارد و بر همه واجب است که تنها به کار و پیشه خاص طبقه متعلق به خود بپردازند (ر.ك: مجتبایی ۱۳۵۲، ۴۸-۴۹).

چنانچه گفته شد، مفهوم عدالت یا داد را که یکی از مفاهیم بنیادین در رویکرد ایرانشهری است، می‌توان به طرق مختلف تعبیر کرد: ۱ عدالت به‌معنای نظام و آئین اشه و هماهنگی

و مطابقت با این آئین و قانون؛ ۲ عدالت و ظلم به‌معنای وسیع راستی و دروغ؛ ۳ عدالت به‌معنای خویش‌کاری و نهادن هر چیزی در جای خود؛ ۴ عدالت به‌معنای پیمان و حدِّوسط میان افراط‌وتفریط (رجایی ۱۳۷۲، ۱۶). بنابراین آنچه در دینکرد یکی از متون پهلوی آمده است، دین خرد (یعنی همان دین زرتشت) به‌مانند درخت تنومندی است که دارای یک‌تنه، دو شاخه اصلی، سه شاخه فرعی و چهار شاخه کوچك‌تر است که تنه اصلی آن را عدالت و دادگری تشکیل داده است (پولادی ۱۳۹۴، ۳۸).

اساساً دو مقوله «داد» و «دانایی» در کنار دین از عناصر مقوم شهریاری است. همچنان که دین با شهریاری ایرانی از بن یگانه‌اند، تصور جدایی داد و دادگری از شهریاری ایرانیان امکان‌پذیر نیست. نسبت دین با داد و شهریاری در کرده ۲۹ به تمثیلی بسیار گویا اشاره دارد. در این مشابهت، ایرانشهر به سر و همچنین داد و دین به بدنی که به این سر متصل است، تشبیه شده است. سر و بدن نیز باید سازگار و متناسب باشند و ایرانشهر نیز باید از داد و دینی همساز با خود برخوردار باشد. همین همسازی داد و دین، زورمندی شهریاری را سبب می‌شود و موجب قوام و تداوم حکومتش می‌گردد (رستم‌وندی ۱۳۹۲، ۱۴۵). دیانت زرتشت به‌همان شکلی که در عصر ساسانی مدون شد، متضمن برتری شاه بر دین است. در حکمت ایرانی، دین و دولت در پیوند با یکدیگر و تحت حمایت و پاسداری شاه قرار دارند. شاه نگهبان دین است، همچنان نگهبان عدالت و نظم نیز هست. دین، مترادف خرد، عدالت و نظم بوده و منظور از عدالت و نظم همانا در یک معنا، «خویشکاریِ» صنف دینیاران، رزمیاران، کشاورزان و پیشه‌وران است (علویان و جهانی‌نسب ۱۴۰۳[ب]، ۲۹۰).

۲-۲- عدالت و نگاه تقلیل‌گرایانه به آن در آراء و اندیشه‌های خواجه نظام‌الملک

نظام‌الملک از رعایت عدالت و تحقق آن در سطوح مختلف جامعه، اصلی را دنبال می‌کند که همانا جلوگیری از آشوب و بی‌نظمی و کمینه کردن هر چه بیشتر آن است. او به پیروی از

اندیشه‌های ایران باستان، معتقد است که نظمی کیهانی برجهان حاکم است و هر طبقه و صنفی باید در جایگاه شایسته خود قرار گیرد تا عدل برقرار شود. پس حفظ حدود سلسله‌مراتب طبقات اجتماعی وظیفه پادشاه است. به عقیده او، عدالت زمانی برقرار می‌گردد که سلسله‌مراتب و حدودوثغور فرومایگان و بزرگان رعایت شده و دچار هرج‌ومرج و تباهی نشود:

«... هریکی را محلی و مرتبتی بوده است»(طوسی ۱۳۷۵، ۱۸۴)

و

«از ناموس‌های مملکت یکی نگاه‌داشتن لقب و مرتبت و اندازه هر کس است»(طوسی ۱۳۷۵، ۱۸۵).

خواجه نظام‌الملك در سیاست‌نامه در مورد دین و شریعت و نقش آن در سیاست و اجتماع سخن گفته است:

«نیکوترین چیزی که پادشاه را باید، دین درست است زیرا که مملکت و پادشاهی و دین همچو برادرند. هرگاه که مملکت اضطرابی دارد در دین نیز خلل آید و بددینان و مفسدان پدید آیند و هر گه که کار دین با خلل باشد مملکت شوریده بود و مفسدان قوت گیرند و پادشاهان را بی‌شکوه و رنجه‌دل دارند و بدعت آشکار شود و خوارج زور آورند»(طوسی ۱۳۷۵، ۷۱).

خواجه نظام‌الملك در سیرالملوك تأکید فراوانی بر مقوله عدالت داشته و رعایت آن را مایه دوام و ثبات حکومت می‌داند:

«و به همه روزگار از گاهِ آدم(ع) تا اکنون در همه ملت و در همه ملکی عدل ورزیده‌اند و انصاف داده‌اند و به‌راستی کوشیده‌اند تا مملکت ایشان سال‌های بسیار بمانده است»(طوسی ۱۳۷۵، ۴۹).

تقلیل عدل به امنیت و نظم و همچنین پاسداری از هرم سیاسی در سیرالملوک این تلقی را ایجاد کرد که خواجه ظلم و بیدادگری را موجب زوال ملک و مملکت دانسته است. هرگونه

ظلم و ستم در حقّ اتباع، موجبات برهم زدن و اخلال در آرامش و امنیت جامعه را رقم می‌زند. این طرز تلقی در او صرفاً به این دلیل حائز اهمیت است که قدرت سیاسی پادشاه را متزلزل می‌سازد(طوسی۱۳۷۵، ۳۷). پیامد چنین برداشت تقلیل‌گرایانه‌ای، محدود ساختن عدالت به امنیت و حفظ قدرت شاه و مملکت است. براین اساس، امنیت و قدرت نیز متزلزل و شکننده شده و زمینه ریا و تزویر در امر ملک‌داری فراهم می‌شود. در این شرایط ممکن است کهکشور مدتی را در امنیت و نظم به‌سر برد، اما موجبات نارضایتی را در بلندمدت سبب می‌شود.

۳- عدالت در آراء و اندیشه‌های امام علی(ع) و خواجه نظام‌الملك؛ تحلیل تطبیقی

امام علی(ع) از عدالت با تعبیر «قرّه‌العین»(نور دیدگان) در حکومت یاد کرده است که در اصل به‌معنای آرامش یافتن دیدگان است (علویان و جهانی‌نسب ۱۴۰۳الف، ۱۶۷). چنانچه انسانی ناراحت و گرفتار ناامنی و فقدان آرامش باشد، نگاه او به این‌سو و آن‌سو می‌رود. این درحالی‌که است که انسان آرام و راحت، دیده‌اش نیز آرام و قرار دارد. اینجاست «قرّه‌العین» معنا می‌یابد. عدالت در نگاه ایشان چیزی است که زندگی فردی و اجتماعی را به زیبایی و جمال یعنی امنیت و آرامش و راحتی آراسته می‌سازد(دلشادی تهرانی ۱۳۷۷، ۷۳). ایشان می‌فرماید:

> «پس از میان عدالت و جود، آن‌که اشرف و افضل است، عدالت است»(نهج‌البلاغه، حکمت۴۳۷).

عدالت نزد امام علی(ع) صرفاً امری اخلاقی نبوده بلکه فلسفه حکومتی‌اش شناخته شده و آن حضرت(ع) حکومت را برای برپایی و استقرار عدالت می‌خواست. ازاین‌رو، برنامه حکومتی وی، برنامه‌ای عدالت‌خواهانه و راه و رسم او در اداره جامعه، دارای مشی عدالت‌گرایانه بود. امام علی(ع)، عدالت را یک تکلیف و ناموس الهی می‌داند. ایشان از مسلمانان آگاه به تعلیمات اسلامی این انتظار را دارد که در برابر تبعیض و بی‌عدالت واکنش نشان دهند.

به‌همین جهت، پس از قتل عثمان و اصرار مردم بر تشکیل حکومت و اصلاح شرایط نامطلوب خلفای گذشته، این وظیفه سنگین را برعهده‌گرفته است. به‌طوری‌که در خطبه شقشقیه می‌فرماید:

«اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم»(نهج‌البلاغه، خطبه۳).

این در حالی است که اساساً عدالت در سیاست‌نامه‌ها(اندرزگویی) به مسئله حفظ قدرت سیاسی مربوط می‌شود و بحث از عدالت به‌لحاظ صوری و فلسفه سیاسی آن‌طور که در اندیشه ابونصر فارابی(۲۵۹-۳۳۹ ق) بوده، نباید با آن خلط شود؛ نظمی که درمجموع نظام آفرینش وجود دارد و اگر این اعتدال در نظام آفرینش توسط رئیس مدینه درك و در مدینه اجرا شود، جامعه به سعادت حقیقی می‌رسد. در سیاست‌نامه عدالت در درون‌گفتاری موردبحث قرار می‌گیرد که توجه به تغلب یا سلطه سیاسی دارد و نه فضیلت و سعادت در جامعه(طباطبایی ۱۳۹۹، ۱۹). بنابراین، پرسش اساسی سیاست‌نامه‌نویسان درواقع چگونگی حفظ قدرت و عوامل ثبات و پایداری حکومت بود که گهگاه در قالب پند و اندرز حکیمانه ارائه می‌شد. اساساً آنجا که شریعت‌نامه نویسی در پی تطبیق شکل‌های تاریخی حکومت با سنت و شرع بود، سیاست‌نامه نویسی به حاکمان می‌آموخت که چگونه حکمرانی و مدیریت جامعه را برعهده گیرند تا حکومتشان نیرومند و پایدار بماند. در کتاب سیرالملوك به‌عنوان شاخص‌ترین آثار سیاست‌نامه نویسی، عناصر خاصی از اندرزگویی آمده است که آن را متمایز از دیگر آثار در این حوزه می‌کند(ر.ك: پولادی ۱۳۹۴، ۹-۱۱).

محور اصلی تحلیل سیاسی سیاست‌نامه، فرمانرواست و خواجه نظام‌الملك تلاش می‌کند تا راه و رسم فرمانروایی و بهترین شیوه صیانت از قدرت سیاسی را عرضه دارد و در این راه، همه شئون حیات اجتماعی را -حتی دیانت که ازنظر خواجه نظام‌الملك در خدمت

سیاست و مشروعیت قرار میگیرد- در خدمت قدرت سیاسی قرار میدهد. (طباطبایی، ۱۴-۱۵). چنانچه در پایان کتاب سیرالملوك اشارهشده است:

«در این کتاب هم پند است و هم مثل است و هم تفسیر قرآن و هم اخبار حضرت رسول(ص) و قصص انبیاء(ع) و هم سیرت و حکایت پادشاهان عادل است از گذشتگان خبر است و از بازماندگان سمر است و بااینهمه درازی مختصر است و شایسته پادشاه دادگر است» (طوسی ۱۳۷۵، ۲۹۹).

امام علی(ع) مفهوم رایج و کهن حکومت را که زمامداران و کارگزاران، آن را چون طعمهای در اختیاردارند و هرگونه بخواهند میتوانند عمل کنند، نفی کرده و حکومت را امانتی میداند بر گردن زمامداران که باید آن را به خوبی نگهبانی و پاسداری کنند و در حیطه عمل خود پاسخگو باشند. بر این اساس زمامداری و کارگزاری، یعنی مسئولیتپذیری و نه سلطهگری و هیچکس را این حق نیست که خودکامه و خودرأی باشد. آنان باید بدانند که اموال و داراییها از آن خداست و آنچه از آن خداست و آنچه بر مردم تعلق دارد بر اساس نیابت الهی باید محافظت گردد و نه اینکه بر آن مسلط شود. در اندیشه علی بن ابیطالب(ع) با تأسی از چارچوبهای دینی و اسلامی، عدالت بهمثابه عنصر حیاتی در احیای حکومتها محسوب میشود که ایشان بهصراحت رعایت و اجرای آن را سبب روشنی چشم زمامداران میداند(نهجالبلاغه، نامه۵۳) و حتی در جریان اعتراضات مردم نسبت به عثمان، نزد امام علی(ع) شکایت بردند تا ایشان با عثمان گفتگو کند که درنهایت علی بن ابیطالب(ع) برترین بندگان نزد پروردگار را رهبر عادل دانست که خود هدایتشده و سپس دیگران را هدایت میکند(نهجالبلاغه، خطبه۱۶۴).

در نهجالبلاغه بر قسط تأکید فراوان شده که در معنای عدل و داد و استحقاق بهکار رفته است. لذا در کلام علی بن ابیطالب(ع) یکی از وجوه تعاریف عدالت، رعایت استحقاقها و قسطِ موردنظر در قرآن است. آنجا که میفرماید:

«خداوند میان مخلوقات به عدل و داد رفتار کرد و در اجرای احکام عادلانه فرمان داد»(نهج‌البلاغه،خطبه۱۶۵)

و همین‌طور در قرآن کریم می‌خوانیم:

«و هر چیز را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید»(الرحمن،۹).

عنصر اصلی و پایه تداوم‌بخش قدرت دولت در قالب سیاست‌نامه، مفهوم عدالت است. در متون کهن و قدیمی بالأخص در سنت سیاست‌نامه نویسی، انوشیروان(۵۰۱-۵۷۹ م) از مصادیق حاکم عادل است. سیاست‌نامه‌ها با توجه به راه و رسم کشورداری به پادشاهان و حاکمان زمانه، از روش‌های مختلفی برای تحقق این هدف بهره می‌گیرند. خواجه نظام‌الملك در سیرالملوك تأکید فراوانی بر مقوله عدالت داشته و رعایت آن را مایه دوام و ثبات حکومت می‌داند. سیاست‌نامه نظام‌الملك طوسی با بازپرداخت نظریه شاهی آرمانی به‌عنوان بنیادی‌ترین محور و مرکز اندیشه سیاسی ایرانشهری شناخته می‌شود(طباطبایی ۱۳۹۹، ۱۳۴). همان‌طور که در آغاز کتاب آمده است:

«ایزد سبحانه و تعالی در هر عصری و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیند و او را به هنرهای پادشاهانه و سیرت‌های ستوده آراسته گرداند و مصالح جهان و آرام بندگان بدو باز بندد و درِ فساد و آشوب بدو بسته گرداند و امضاء و حشمت او در قلوب و عیون خلایق بگستراند تا مردمان در سایه عدل و پناه رعایت او روزگار می‌گذرانند و ایمن می‌باشند...»(طوسی ۱۳۵۷،۱).

حکومت برای اجرای عدالت اجتماعی در اندیشه امام علی(ع)، ابزاری لازم و ضروری محسوب می‌شود. حکومت علوی الگویی است که در مدت کوتاه زمامداری خویش در تلاش برای استقرار عدالت در جامعه برآمد. لذا در سیره ایشان ارزش حکومت با مقیاس عدالت معین می‌شود. بنابراین، وی رهبری جامعه را تنها به‌دلیل وسیله‌ای برای تحقق عدالت و احقاق حقوق و خدمت به اجتماع، مقدس می‌شمارد(کیخا ۱۳۸۹، ۹۰). در

اندیشه امام علی(ع)، عدالت از بالاترین و ارزشمندترین چیزهایی است که امور را سامان داده و همگان را به آسایش می‌رساند. عدالت به‌تعبیری در نظر ایشان، ترازوی خداوند شناخته‌شده که در میان خلق و برای اقامه حق قرار داده‌شده است. عدالت سبب تعادل جامعه می‌شود همان‌گونه که علی(ع) می‌فرماید:

«عدالت، ترازوی خداوند است که برای بندگان نهاد و برای اقامه حق، آن را نصب کرد، خداوند را در ترازویش نافرمانی نکنید و با سلطنت او معاوضه مکنید» (التمیمی آمدی ۱۳۸۶، ۲۸۸).

همچنین ایشان عدالت و به عدل رفتار کردن را از شروط اصلی زمامداری دانسته و مهم‌ترین امور را متوقف بر آن معرفی کرده است:

«پس بدان که برترین بندگان خدا در پیشگاه او رهبر عادل است که خود هدایت‌شده و دیگران را هدایت می‌کند، سنت شناخته‌شده را برپا دارد و بدعت ناشناخته را بمیراند...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۴).

در سیاست‌نامه‌ها و شریعت‌نامه‌ها از عدل و نظم عادلانه سخن رانده‌شده که سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملك طوسی نیز از آن جمله است. سیرالملوك پژواکی از نظریه شاهی ایرانشهری است که از موهبت فره ایزدی برای شاه سخن گفته است و از اینکه نظم و عدل جامعه، همه و همه از مواهب چنین فره کیانی و فرمانروایی شاه خوب و پریشانی و هرج‌ومرج از بلایای فرمانروایی شاه بد است. مفهوم عدل در سیاست‌نامه خواجه با مفهوم عدل در فلسفه فارابی، حکمت اشراق و حکمت متعالیه ملاصدرا نیز متفاوت است. چنانچه آنان ضمن بحث‌های پیچیده منطقی و برهانی از عدل، آن را در مقیاس کیهانی و وجودی به کار می‌برند. شیوه بحث آن‌ها درباره نظامِ داد، بحث نظری و درباره مفهوم عدالت، نیز عدالتی نفس‌الامری است. درحالی‌که در سیاست‌نامه ضمن آنکه بحث عدل نه با شیوه استدلالی بلکه به‌صورتی تعبّدی بیان‌شده است، خواجه بیشتر نگران از میان

رفتن نظم و نسق اجتماعی است و عدل را برای جلوگیری از این بلیّه و دفاع از سلسله‌مراتب شئون و طبقات اجتماعی پیشنهاد کرده و برهم‌زدن نظم مستقر را دشمنی بانظم و عدل می‌داند (پولادی ۱۳۹۷، ۱۷۶-۱۷۷). ازاین‌رو، تداوم و صیانت از نظام سیاسی مستقر را بانظم پیوند می‌زند و منوط به رعایت عدالت می‌کند. نظام‌الملك در فصل پنجم از سیاست‌نامه، شخصیت انوشیروان را این‌چنین توصیف می‌کند:

«او مردی بود که از خردگی باز عدل در طبع او سرشته بود و زشتی‌ها را به زشت و نیکی‌ها را به نیك دانستی...» (طوسی ۱۳۷۵، ۳۵-۳۶).

اما در بینش سیاسی علی(ع) لزوم برقراری عدالت برای انتظام‌بخشی امور مردم و سامان یافتن نظام اجتماعی ضروری است. ازاین‌رو، استقرار امنیت و نظم و جلوگیری از هرج‌ومرج و دفع فساد تنها با رعایت آن امکان‌پذیر است. اساساً حکومت موردنظر امام علی(ع) نیز دارای مشخصه‌هایی چون دین‌داری، عدالت و مردم‌داری بود که تحقق عینی و عملی آن نیازمند وجود زمامدار و حاکم عادل است. امام علی(ع) حکومت را وسیله‌ای در خدمت عدالت و عدالت را در خدمت مردم می‌دید. در اندیشه سیاسی ایشان، عدالت بالاترین و ارزشمندترین چیزی است که امور اجتماعی را سامان داده و همگان را به آسایش می‌رساند. از اصول و وظایف کلی که مبنای تمام برنامه‌ها و اقدامات آن حضرت(ع) قرار داشت، برقراری عدل بود که یك سیاست گزینشی مربوط به مقطع خاصی نبوده بلکه اصل مدیریتی و اجتماعی و معیار رفتار و کارها قرار داشته است. پس همان‌طور که پیش‌تر آمد، عدالت نزد امام علی(ع) صرفاً امری اخلاقی نبوده بلکه فلسفه حکومتی ایشان شناخته می‌شد. به‌عبارتی دیگر، می‌توان مبنا و غایت استقرار حکومت و کسب قدرت را در اندیشه‌های ایشان «عدالت‌محوری» دانست که تمامی مؤلفه‌های دیگر در ذیل آن تحقق می‌یابد. به‌طوری‌که آن حضرت(ع)، حکومت را برای برپایی و استقرار عدالت می‌خواست. ازاین‌رو، برنامه حکومتی وی، برنامه‌ای عدالت‌خواهانه بود

و راه و رسم او در اداره جامعه، دارای مشی عدالتگرایانه (جهانی‌نسب ۱۴۰۱، ۱۱۴). آنجا که ایشان می‌فرماید:

«دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد...» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

این در حالی است که در آراء و اندیشه‌های نظام‌الملک به تأسی از منابع فکری ایرانی، پادشاه سایه خداوند روی زمین و مجری شریعت الهی محسوب می‌شود، بدون اینکه صاحب‌امتیاز وحی و یا ویژگی عصمت و جانشینی [پیامبر] باشد (حسنی‌نیا ۱۳۹۲، ۷۵). لذا با تأمل در سیاست‌نامه دریافته می‌شودکه وی در پیوند دین و سلطنت، عناصر ایرانشهری و منابع اسلامی را با یکدیگر تلفیق نموده و همین امر موجب شده تا عده‌ای او را متهم به التقاطی و متناقض بودن در آراء و افکار بدانند؛ اما با نگاه دقیق‌تر مشاهده خواهد شد که خواجه در قالب سنت اندرزگویی با دقت و هوشمندی برای اداره بهتر حکومت به تلفیق این دو عنصر پرداخته است. ازاین‌رو، باید گفت که او بیشترین تأکید و اولویت را بر ملیت و سنت ایرانشهری داشته است. مجتبایی برای تفهیم بهتر دوگانه مقام شاهی آرمانی در اندیشه سیاسی خواجه در قالب سنت ایران باستان می‌نویسد:

«دین‌داری و شهریاری و یا حکمت و حکومت که یکی فضیلت‌هایی چون عدالت و دین‌داری و دانایی را شامل می‌شود و دیگری کیفیاتی چون قدرت و دلیری و نیرومندی را در برمی‌گیرد» (مجتبایی ۱۳۵۲، ۱۵۰).

ازاین‌رو، با پیوند مشروعیت شاه و تثبیت نظام سیاسی بر نظریه فره ایزدی در اندیشه ایران باستان در آراء خواجه، عدل به‌عنوان ابزاری برای امنیت و ثبات سلطنت شاهی شناخته می‌شود. نظام‌الملك با این نظریه اقتدار پادشاهی را از اقتدار خلافت جدا کرده و برای آن مشروعیت تازه‌ای را بنا نهاد (پولادی ۱۳۹۴، ۹۴).

۴- نتیجه‌گیری

این مسئله که عدالت چیست، شاید چندان احتیاج به تعریف نداشته باشد. افراد بشر کم‌وبیش ظلم را و تبعیض را می‌شناسند. عدالت نیز نقطه مقابل ظلم است. حکومت نزد علی بن ابیطالب(ع) به‌عنوان نهاد قدرت نه به‌معنی سلطه‌طلبی و برتری‌جویی و استبداد بلکه نهادی شناخته می‌شود که ارزش آن درگرو احقاق حق و عدالت‌گستری است. این دیدگاه در دوره حکومتی ایشان کاملاً مشهود است؛ چراکه حکومت به‌خودی‌خود برای امام(ع)، هیچ مطلوبیتی جز احیای ارزش‌های الهی ندارد. آنجا که هدف ایشان از تشکیل حکومت، اجرای صحیح آموزه‌های شریعت و استقرار عدالت است که در خطبه سوم نهج‌البلاغه بدان اشاره می‌کند. همان‌طورکه براساس محتوای آیه نهم سوره الرحمن که به سنجش هرچیز با معیار عدل و انصاف تاکید دارد، رویکرد امام علی(ع) نیز در حکومت‌مداری متأثر از همین دیدگاه قرآنی است. پس از منظر علی(ع) منشأ و سرچشمه عدالت، الهی و متکی بر ایمان به خداوند است و آن را امری مطلق در مبانی اسلامی تلقی می‌کند؛ اما در سنت سیاست‌نامه نویسی خواجه نظام‌الملك به تأسی از آراء یونانی و اندیشه‌های ایرانشهری، استقرار عدالت باهدف قوام و دوام حکومت بوده و اجرای صحیح آن منجر به افزایش قدرت پادشاه می‌شود؛ چراکه مفهوم عدالت، برآمده از قانون ارته یا اشه بوده که به‌معنای حفظ نظم کیهانی و ساماندهی نظم حاکم بر هستی است و منشأ آن، قوانین طبیعی است. ازاین‌رو، برقراری امنیت و رفع تهاجم و ناامنی در سیاست‌نامه از اهداف مهم تحقق عدالت و تلاش برای برپایی آن در جامعه است. گرچه در جهان‌بینی اسلامی نیز از عدالت تکوینی و نظم و نظام هستی توسط پروردگار سخن گفته می‌شود، درحالی‌که در برداشت اندرزگویی خواجه، این معنا از عدل در صیانت و نگهداشت از قدرت و حکومت پادشاه خود را نمایان می‌سازد؛ بنابراین عدالت، نه هدف و غایت نهایی، بلکه وسیله‌ای است که در پی هدفی والاتر یعنی

صیانت و پاسداری از نظام قدرت در امر حکومت‌مداری است؛ اما از منظر امام علی(ع) عدالت از چنان جایگاهی در عرصه سیاسی- اجتماعی برخوردار است که استقرار آن به‌عنوان هدف اصلی و قره‌العین یا نور چشم والیان محسوب می‌شود. در منظومه فکری عدالت‌محور علوی، عدل یکی از فضائل اجتماعی است که دولت اسلامی و حکام باید در استقرار، تحکیم و تثبیت آن بکوشند. عدالت در این دیدگاه، ارزش نهایی و غایت اصلی محسوب می‌شود. به‌طوری‌که تشکیل دولت اسلامی و کسب قدرت به‌منظور اجرای صحیح آن توجیه می‌شود. به‌بیانی دیگر، عدالت نزد علی بن ابیطالب(ع)، منزلتی جامع‌گرایانه داشته و گستره وسیعی را شامل می‌شود. ضمن اینکه غایت نهایی بوده و نهاد حکومت، تنها وسیله‌ای است برای دستیابی به آن. این در حالی است که خواجه نظام‌الملک در سیاست‌نامه، با نگرشی تقلیل‌گرایانه و ابزاری به عدل، رعایت آن را در جامعه باهدف نگهداشت قدرت حاکم و حکومت او تلقی می‌کند. این دو برداشت متفاوت در بینش سیاسی امام علی(ع) و آراء و اندیشه‌های خواجه نظام‌الملک طوسی، برخاسته از دو سنّت فکری و خاستگاه جهان‌بینی اسلامی و جهان‌نگری ایرانی آن‌هاست که دستاوردهای نظری مختلفی را به‌همراه داشته است.

عنصر اصلی و پایه تداوم‌بخش قدرت دولت در قالب سیاست‌نامه‌ها نیز، مفهوم عدالت است که هم در اندیشه ایرانشهری و هم در آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید شده است. گرچه در این متون، عناصری از اندیشه اسلامی، ایرانی و یونانی دیده می‌شود؛ اما عدالت در دیدگاه امام علی(ع) به مفهوم قسط در قرآن نزدیک‌تر بوده و از نوع عدالت اجتماعی است. ازآنجاکه عدالت در اسلام ناظر بر مفهوم حق نیز بوده، در این‌صورت عدالت بر معنای حق قرار می‌گیرد و نوع نگاه به حق و همچنین ثابت یا متغیر بودن آن نتایج متفاوتی را برای عدالت ایجاد خواهد کرد. طبق این نگرش، عدالت سیاسی و اجتماعی نیز با اعطای حقوق سیاسی و اجتماعی به ذی‌حقّان تحقق می‌یابد. درواقع عدالت در نگاه علی(ع)

تنها به‌صورت همه‌جانبه و فراگیر در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی محقق می‌شود. به‌همین دلیل است که اصل برپاداشتن حق در سیره حکومتی ایشان از اهداف کلیدی محسوب می‌شود. لذا در سخنانی مکرراً حکومت را وسیله اقامه حق و دفع باطل بیان می‌دارند تا اینکه عدالت تحقق پذیرد.

پی‌نوشت

۱. از جمله نخستین فرقه‌های فکری کلامی با روش عقل‌گرا در جهان اسلام که متعلق به واصل‌بن عطا بوده و دارای اعتقادات خاص دینی در حوزه‌های مختلف است. از جمله اینکه برای اثبات، دفاع، کشف و استنباط عقاید و احکام دینی باید از عقل بهره جست؛ چراکه عقل به‌طور مستقل به حُسن و قبح ذاتی امور پی می‌برد. بر این اساس، جبرگرایی را مردود دانسته و انسان را صاحب اختیار و آزادی می‌دانند(ر.ک: تقوی ۱۳۹۵، ۱۷۰-۱۷۳).

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

اخوان‌کاظمی، بهرام. ۱۳۸۰. «عدالت و خودکامگی در اندیشه سیاسی خواجه نظام‌الملک طوسی». فصل‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۱۲، ش ۵۴: ۵-۲۷.

اخوان‌کاظمی، بهرام. ۱۳۸۲. عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام. قم: بوستان کتاب.

امیدسالار، محمود. ۱۳۷۳. «مفهوم عدالت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک». ایران‌شناسی ۶، ش ۲۱: ۵۲-۶۶.

پولادی، کمال. ۱۳۹۴. تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام. چاپ ۵. تهران: مرکز.

پولادی، کمال. ۱۳۹۷. در سودای نظام داد: جهان‌شناسی ایرانی و اندیشه سیاسی. تهران: نشر مرکز.

تقوی، سید محمدعلی. ۱۳۹۵. مبانی آیین و اندیشه سیاسی در اسلام. چاپ ۲. تهران: سمت.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۳۸۶. غرر الحکم و درر الکلم. تصحیح سید مهدی رجبی. ج ۱. چاپ ۲. تهران: دار الکتاب الاسلامی.

جهانی‌نسب، احمد. ۱۴۰۱. «تبیین ماهیت دولت در اندیشه سیاسی امام علی (ع) مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه». در مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی راهکارهای گسترش فرهنگ غدیر و ترویج نهج‌البلاغه. ساری: دبیرخانه کنگره.

حسنی‌نیا، یوسف. ۱۳۹۲. «نسبت اخلاق و سیاست در آراء ابن‌مسکویه رازی و خواجه نظام‌الملک طوسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).

دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۷۷. حکومت حکمت: حکومت در نهج‌البلاغه. تهران: خانه اندیشه جوان.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۶ق. مفردات الفاظ القرآن. تحقیق صفوان عدنان داوودی. دمشق: دار القلم.

رجایی، فرهنگ. ۱۳۷۲. تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان. تهران: قومس.

رستم‌وندی، تقی. ۱۳۹۲. اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی: بازخوانی اندیشه سیاسی حکیم ابوالقاسم فردوسی، خواجه نظام‌الملک طوسی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی. تهران: امیرکبیر.

سروری مجد، علی. ۱۳۹۲. «قرآن و جامعه آرمانی». سراج منیر ۴، ش ۱۲: ۶۹-۸۹.

سیدباقری، سیدکاظم، و محمود مختاربند. ۱۳۹۸. «پیوستگی عدالت و اعتدال در اخلاق سیاسی اسلامی با تأکید بر سیره علوی». علوم سیاسی ۲۲، ش ۸۵: ۲۵-۴۹.

شریعت، فرشاد. ۱۳۸۷. عدالت و سیاست: بررسی ابعاد نظری و کاربردی عدالت در گفتمان سیاسی اسلام و غرب. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

طباطبائی، سید محمدحسین. بی‌تا. ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. ج ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید جواد. ۱۳۷۲. درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران. تهران: کویر.

طباطبایی، سید جواد. ۱۳۹۹. خواجه نظام‌الملک: گفتار در تداوم فرهنگی ایران. چاپ ۳. تهران: مینوی خرد.

طوسی، خواجه نظام‌الملک ابوعلی حسن بن علی. ۱۳۷۵. سیاست‌نامه (سیرالملوک). به‌اهتمام عباس اقبال آشتیانی. چاپ ۳. تهران: اساطیر.

علویان، مرتضی، و احمد جهانی‌نسب. ۱۴۰۳الف. «نسبت میان سنت اسلامی و تجدد (با تکیه بر تجدد سیاسی) با تمرکز بر مبانی فکری و بینش سیاسی علی‌بن ابیطالب (ع) در نهج‌البلاغه». پژوهش‌نامه علوی ۱۵، ش ۲: ۱۵۱-۱۷۵.

علویان، مرتضی، و احمد جهانی‌نسب. ۱۴۰۳ب. «مفهوم عدالت در اندیشه ایرانشهری و اندیشه اسلامی با تکیه بر آموزه‌های نهج‌البلاغه؛ الگوسازی انقلاب اسلامی». پژوهش‌های انقلاب اسلامی ۱۳، ش ۴: ۲۷۹-۲۹۹.

غلامی، رضا. ۱۴۰۰. واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی. تهران: آفتاب توسعه.

کیخا، نجمه. ۱۳۸۹. عدالت اجتماعی. تهران: کانون اندیشه جوان.

مجتبایی، فتح‌الله. ۱۳۵۲. شهر زیبای افلاطون و شاه آرمانی در ایران باستان. تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.

مجلسی، محمدباقر. ۱۳۹۱. بحار الانوار. ترجمه موسی خسروی. ج ۷۸. چاپ ۵. تهران: اسلامیه.

مطهری، مرتضی. ۱۳۵۵. عدل الهی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مطهری، مرتضی. ۱۳۹۴. سیری در نهج‌البلاغه. چاپ ۴۵. تهران: صدرا.

واعظی، احمد. ۱۳۹۳. نقد و بررسی نظریه‌های عدالت. چاپ ۳. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).